

نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا

محسن رضایی^۱، عابدین صفری کاکروودی^۲، سلمان امیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۴

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مشکلات و معضلات اقتصادی کشور سهولت تشکیل باندهای حمل‌ونقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای قاچاق در کشور است که موجب شده است ضربات مهلکی به اقتصاد کشور وارد شود از این رو پلیس در سال‌های اخیر به دنبال انجام اقدامات پیشگیرانه در زمینه وقوع این جرم در کشور بوده و تلاش دارد از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا جلوگیری کند. لذا این پژوهش با هدف تبیین و شناسایی نقش پلیس در وضعیت موجود و مطلوب در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و ارائه الگوی بومی پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس انجام شده است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش اجرا آمیخته و از نوع پیمایشی می‌باشد، جامعه آماری این پژوهش در فاز کیفی شامل خبرگان در حد اشباع نظری تعداد ۲۶ نفر و در فاز کمی شامل کارشناسان و مدیران سازمان‌های نیروی انتظامی، سازمان گمرک، سازمان تعزیرات حکومتی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به تعداد ۲۱۵۰ نفر که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای صورت گرفت.

یافته‌ها و نتایج: در فاز کیفی در چهار بُعد؛ اجزای ساختاری، اجزای محتوایی، تعامل و مشارکت، آموزش و اطلاع‌رسانی پلیس، ۱۷ مولفه و ۶۴ شاخصه بدست آمد و در فاز کمی یافته‌ها نشانگر تفاوت و فاصله معنادار بین وضعیت موجود و مطلوب نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اقدامات پلیس در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در وضعیت موجود دارای ضعف‌های فراوانی است و برای رسیدن به وضعیت مطلوب به ترتیب؛ اجزای محتوایی، اجزای ساختاری، آموزش، تعامل و مشارکت پلیس نیازمند اصلاحاتی است که در قالب الگوی استخراج شده این پژوهش ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: قاچاق کالا، پیشگیری پلیسی، باندهای قاچاق، اجزای ساختاری پلیس، اجزای محتوایی پلیس، تعامل و مشارکت پلیس.

۱- مربی حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران، دانشکده علوم و فنون انتظامی، گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران، نویسنده مسئول،

mohsenrezaee3492@gmail.com

۲- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران، دانشکده علوم و فنون انتظامی،

گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران a.s.kakroodi@gmail.com

۳- دکتری دانشگاه دفاع عالی ملی و عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران، مدرس پیشگیری از جرم،

دانشکده علوم و فنون انتظامی، گروه پیشگیری، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

در سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران پیشگیری از وقوع جرم، هم الزامی قانونی و هم منطقی سازمانی در نیروی انتظامی است که مطابق شق «د» بند ۸ و بند ۱۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، به عنوان یکی از وظایف و ماموریت‌های عمده و اصلی پلیس تلقی می‌شود. بر این اساس با تشکیل پلیس پیشگیری (برای پیشگیری وضعی) و معاونت اجتماعی ناجا (برای پیشگیری اجتماعی) جایگاه پیشگیری از جرم در ماموریت‌ها و وظایف پلیس، ارتقاء یافته است. از سوی دیگر مطابق شق «ب» بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، مبارزه با قاچاق یکی از وظایف پلیس محسوب می‌شود. در راستای اجرای این بند در ابتدای تشکیل نیروی انتظامی معاونت قاچاق کالا در پلیس آگاهی تشکیل و از آن زمان تاکنون پلیس آگاهی و موازی با آن فرماندهی مرزبانی ناجا نیز در مرزها به مبارزه با قاچاق کالا در کشور پرداخته‌اند. با این حال واکنش پلیس در ایران نسبت به باندهای قاچاق کالا و مسائل مربوط به آن‌ها به گونه‌ای انجام شده که راهبرد پیشگیری از شکل‌گیری این باندها تاکنون در دستور کار پلیس قرار نگرفته است.

در سال‌های اخیر بر اساس آخرین آمارهای رسمی وزارت کشور، ایران سالیانه با حداقل ۱۲ میلیارد دلار کالای قاچاق روبرو است (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۵/۴/۱۲). نکته حائز اهمیت در این مطلب این است که رقم مذکور حدود نیمی از ارزش کالاهایی است که به طور متوسط به صورت رسمی وارد کشور می‌شود و این رقم تقریباً معادل بودجه عمرانی کشور است. آن‌چه در اعلام این آمارها محرز است این است که این حجم از قاچاق کالا توسط شخص یا اشخاص معدودی انجام نمی‌شود،

بلکه این حجم از قاچاق توسط باندها و شبکه‌های گسترده داخلی و بین‌المللی صورت می‌پذیرد.

اهمیت این موضوع به حدی است که علی‌رغم تلاش دولت‌ها برای رشد کشور در عرصه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و پیشرفت‌های فناوری، باندهای قاچاق کالا نیز روز به روز در کشور در حال شکل‌گیری و رشد هستند و در برخی از موارد به یک تهدید علیه امنیت کشور تبدیل می‌گردند، لذا رسیدن به راهکارهایی که بتواند وقوع این پدیده را تا حدود زیادی کاهش بدهد، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و اگر اقدامات پیش‌دستانه پلیس به خوبی به کار بسته شوند و به اجرا درآیند، می‌توان تا حدودی از شکل‌گیری و رشد این باندها پیشگیری کرد و اگر این معضل حل نشود آثار زیان‌بار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی بر جامعه خواهد داشت که ضرورت توجه جدی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق را ضروری می‌کند. به عنوان نمونه، اگر یک باند قاچاق موفق شود یک محصول یا یک کسب و کار را به انحصار خود درآورد، ضررهای زیادی به مردم و سودهای کلان برای اعضای این باندها خواهد داشت.

از لحاظ سابقه بحث با وجود اینکه در طی دهه‌های اخیر، حجم اقدامات علمی مانند رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی و همایش‌ها در خصوص قاچاق کالا معتدبه بوده و ادبیات تحقیق در این زمینه از پایه‌های نظری و پژوهش‌های تبیینی منسجمی برخوردار شده است که به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌هایی چون صفاری و اجتهادی ۱۳۹۶، علیدادی کوزری ۱۳۹۳، بیابانی و بتولی ۱۳۹۳، صفایی آتشگاه ۱۳۹۳، رجبی ۱۳۹۲، مالوری ۲۰۱۲، پلانست و اسکانت ۲۰۱۰ و موارد دیگر نام برد که دستاوردهای آنها در این پژوهش مورد بهره‌برداری قرار گرفته، اما بیشتر این پیشینه‌ها معطوف به علل و عوامل به وجود آورنده قاچاق و یا راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا

و کاهش آن بوده است و به صورت خاص به نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا پرداخته‌اند. لذا با توجه به مراتب فوق با هدف تبیین و شناسایی نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در شهر تهران به این موضوع پرداخته‌ایم و در این راستا به دنبال پاسخ به این سوالات هستیم که نقش اجزای ساختاری، اجزای محتوایی، تعامل و مشارکت پلیس با جامعه و نهادهای برون سازمانی و در نهایت نقش آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در شهر تهران چگونه است؟ و الگوی مناسب پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس در شهر تهران کدام است.

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

صفاری و اجتهادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان "سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور" به این نتیجه رسیده‌اند توجه ویژه به ارزش‌هایی همانند حقوق اقتصادی مصرف‌کنندگان و فعالان اقتصادی و حق بر تامین امنیت شغلی، سرمایه‌گذاری و تجارت قانونی موجب شده تا سیاست کیفری ایران به سمت احصای بزه قاچاق کالا در زمره جرایم اقتصادی سوق پیدا کند. آسیب‌ها و مخاطره‌های بسیار گسترده و ویرانگر ناشی از ورود غیر قانونی کالاهای سلامت محور و به خطر افتادن موضوعات مهمی چون حق بر تامین امنیت و سلامت مواد غذایی، بهداشتی و دارویی مصرف‌کنندگان و خطرات گسترده جسمی و جانی ناشی از مصرف کالاهای سلامت که به صورت قاچاق وارد و عرضه می‌گردد، همچنین وظیفه دولت‌ها در خصوص لزوم تامین یک زندگی سالم برای شهروندان، قانونگذار را بر آن داشته تا با اتخاذ سیاست کیفری افتراقی و سخت‌گیرانه، با اختصاص ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به این موضوع، مرتکبین این نوع از قاچاق را مستحق تحمل مجازات‌های مربوط به قاچاق کالای ممنوع کند و

مقررات شکلی و ماهوی خاص و متفاوتی را در بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری در قبال آن‌ها مقرر نماید.

علیدادی کوزری (۱۳۹۳) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان **"تبیین و ارائه الگوی ارتباط پیشگیری از بحران قاچاق کالا با رویکرد سیکل‌های تجاری (مور مطالعه ایران)"** با نگرشی جدید نسبت به این پدیده به این نتیجه رسیده است که قاچاق در سال‌های اخیر خود را به صورت یک معضل بر حیات اقتصادی تحمیل کرده است و پدیده‌ای پیچیده و چند بُعدی است که مطالعه آن نیاز به تحقیقات بین‌رشته‌ای دارد و هر گونه برخورد یک بُعدی پیچیدگی آن را بیشتر می‌کند. در این رساله تأکید شده که جهت کنترل و پیش‌بینی وضعیت آتی قاچاق کالا در ایران و جلوگیری از تبدیل شدن آن به بحران می‌بایست پیشگیری در اولویت قرار گیرد. نگارنده در این پژوهش بر آن بوده تا مباحث جدید در خصوص پیشگیری را مورد بررسی قرار دهد، از این رو با تمرکز بر مباحثی چون علت‌شناسی قاچاق کالا، قاچاق کلان از مبادی رسمی و پیشگیری از قاچاق کالا مورد توصیف و تحلیل قرار داده است.

بیابانی و بتولی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان **"بررسی شناخت جرایم باندى؛ راه‌های شناسایی و مشکلات مبارزه با آن"** با مطالعه ۴۰ پرونده باندى در حوزه‌های جرایم جنایی، سرقت، کلاهبرداری، قاچاق و ... به چگونگی شکل‌گیری جرایم باندى، چگونگی پیوستن به باندى، چگونگی نام‌گذاری باندى، گستره فعالیت مجرمانه باندى و ... پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که وجود بسترهای پنهان و نیز ناهنجاری‌های موجود در جامعه و خانواده، عامل عمده و اصلی در بروز این حوادث و در نتیجه، شکل‌گیری باندها است. از سوی دیگر با توجه به امکان وجود شکست در نقشه‌های جنایتکارانه توسط یک فرد، بسیاری از افراد تبهکار ترجیح داده‌اند تا به صورت گروهی و باندى وارد عمل شوند؛ زیرا به اعتقاد بسیاری از آن‌ها، امکان لو رفتن نقشه‌ها و دستگیری همه اعضای یک باندى محدود است. هم‌چنین در این پژوهش

اذعان شده است که جرایم باندى، آن‌هاىى نىستند كه در اثر غلىان احساسات يا بدون اختيار و اراده صورت پذىرنند، بلكه حساب شده هستند.

صفائى آتشگاه (۱۳۹۳) در پژوهشى با عنوان "بررسى قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر پایه یافته‌هاى جرم‌شناسى پىشگىرانه" با هدف بررسى تدابىر فصل دوم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، در پرتو پىشگىرى موقعىت مدار نىتجه مى‌گىرد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عمدتاً با توسل به فناورى‌هاى نوىن در صدد دشوارسازى ارتكاب و افزاىش خطر بزهاكارى مى‌باشد. اىن قانون در پرتو تدابىرى نظىر شناساىى و رهگىرى کالا، يكپارچه سازى و نظارت بر فرآىند تجارت در پى شفاف سازى زنجىره تأمىن بوده است. در نهاىت به اىن نىتجه رسىده است كه از آن جاىى كه امروزه پىشگىرى موقعىت مدار از حالت سنتى به حالت فناورانانه ارتقاء يافته، موقعىت اىن برنام‌ها در گرو به كارگىرى ابزارهاى فناوران‌هاى مى‌باشد كه در اختيار كنىشگران پىشگىرى از وقوع جرم قرار گىرد.

رجبى (۱۳۹۲) در پژوهشى با عنوان "راهكارهاى جلب مشاركت مردمى در امر مبارزه با قاچاق کالا" بىان مى‌كند: كىشورهاى مآهلف به شىوه‌هاى گوناگون از قبىل سىاست‌هاى گمركى و اقدامات مكمل امنىتى گرفته تا اقدامات تأمىنى و حقوقى كىفرى و يا فعالىت‌هاى فرهنگى و تبلىغى و اقدامات پىشگىرانه دىگر به مقابله با پدیده قاچاق پرداخته‌اند. تحقق بخشىدن اىن امر در اىران جدا از همت و تلاش همه سازمان‌هاى مسؤل، برنام‌ه رىزى‌هاى متناسب با توسعه فن آورى‌ها و گسترش مبادلات و ارتباطات كىشور را مى‌طلبد و بازنگرى در قوانىن و مقررات و ساختارهاى سازمانى مرتبط با مبارزه با قاچاق را الزامى مى‌سازد. در اىن پژوهش محقق به شناساىى راه‌هاى جلب مشاركت مردمى در امر مبارزه با قاچاق کالا پرداخته و پس از بررسى علمى با ارائه پىشنهاداتى كاهش حجم قاچاق کالا و توسعه امنىت اقصادى

در ایران را در گرو تعامل با نظام بین‌الملل و بروز و ظهور رفتار جمعی و شیوه‌های رفتار مشارکت‌های مردمی به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد موفق فرهنگی با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی، را ظرفیت عظیمی در توسعه پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا می‌داند.

صوفی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان "نقش پلیس در کنترل و مبارزه با جرایم اقتصادی با تاکید بر قاچاق کالا" بیان می‌کند که بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که نقش‌های اطلاعاتی و امنیتی، مرزبانی، قضایی و انتظامی پلیس به ترتیب مهمترین نقش‌های پلیس بوده که در کنترل و مبارزه با قاچاق موثر می‌باشند. در این پژوهش از بین شاخص‌های مطرح شده در هر نقش نیز گسترش منابع و مخبرین و جمع‌آوری اخبار از شبکه‌ها و باندهای قاچاق کالا در نقش اطلاعاتی و امنیتی، کنترل مرزها با ایجاد پاسگاه‌های مرزی در نقش مرزبانی، هماهنگی مناسب با دستگاه قضایی در نقش قضایی و جلب مشارکت جامعه در نقش انتظامی مهمترین شاخص‌ها می‌باشند.

پلانت و اسکات^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "اقدامات پلیسی اثر بخش و پیشگیری از جرم" با بیان مطالبی در خصوص دولت‌های محلی در پیشگیری از جرم، پلیس مسئله محور، پیشگیری وضعی، اطلاعات پلیسی و تبیین نظریاتی مانند پنجره‌های شکسته و پلیس سنتی به این نتیجه رسیدند که اگرچه پیشگیری از همه‌ی جرایم توسط دولت و پلیس به تنهایی امکان‌پذیر نیست ولی تحقیقاتی وجود دارد که می‌تواند به پلیس در رابطه با پیشگیری از جرم و مشخص کردن مسئولیت جامعه، پلیس و دولت-های محلی کمک نماید. در این پژوهش بیان می‌شود که بهره‌گرفتن از دانش پلیس جامعه محور می‌تواند دولت محلی و اجتماع را هر چه بهتر آماده‌ی پاسخ‌گویی موثر به

مشکلات کند و حداقل در مرحله-ی اول از بروز برخی جرایم در حال رشد جلوگیری نماید چرا که همسویی پلیس، دولت و مردم در نتیجه‌ی درک مشترک از چالش‌های یکسان است.

مالوری (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "شناختی بر جرایم سازمان یافته" بیان می‌کند که باند در واقع، مشارکت هماهنگ افراد برای رسیدن به هدف خاص است. باندها، کارآفرینان سازمان یافته‌ای هستند که با سرمایه گذاری مجدد، سودآوری می‌کنند. آن‌ها سازمان‌های منظمی هستند که کالاها و خدمات غیرقانونی خود را به بازار عرضه کرده و از این راه سود هنگفتی کسب می‌کنند. محققان، اعضای باندها را افراد بی برنامه‌ای می‌دانند که به منظور کسب درآمد، متحد می‌شوند. نهادهای قانونی، باندها را به عنوان گروه‌های سازمان یافته با رهبران سرشناس و زیر فرماندهی-های ضعیف تر، توصیف می‌کنند. فعالیت این گروه‌ها مجرمانه تهدیدی برای جامعه در نظر گرفته می‌شود.

مبانی نظری

در این پژوهش، برای بررسی شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و ابعاد آن، از یک چارچوب تلفیقی از نظریه‌های بوم‌شناسی جنایی، کنترل اجتماعی، جرایم یقه سفید، جرم سازمان یافته، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی بهره گرفته شده است.

نظریه بوم‌شناسی جنایی

در دهه ۱۹۲۰ گروهی از جامعه‌شناسان که مقر آن‌ها در شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو^۱ شهرت یافتند، روشی با عنوان «بوم‌شناسی» برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند که به مطالعه روابط بین گروه‌های انسانی و محیط آنان می‌پردازد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند

و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنان مدعی شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آیند که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). دو تن از جامعه‌شناسان نیز به نام‌های پارک^۱ و برگس^۲ که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از: زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت گاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد پارک و برگس، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی - اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی در هم تنیده است. کلیفورد شاو و هنری مک کی^۳ نیز با استفاده از همین نظریه، شهر شیکاگو را به ۵ ناحیه تقسیم کردند. شاو و مک کی به این نتیجه رسیدند که تبهکاری در مناطق فقیرنشین و شلوغ به علت وجود خرده فرهنگ‌های جرم‌زا بیشتر از مناطق متوسط یا اعیان‌نشین می‌باشد (صارمی، ۱۳۸۰: ۲۶).

در راستای این نظریه می‌توان گفت در وضعیت کنونی کشور ایران، قاچاق کالا از جمله جرایمی است که با تخصصی شدن امور و متنوع شدن ماموریت‌های پلیس به دلیل تغییر و تحول در جمعیت و پیدایش کلان شهرها و مهاجرت‌ها و مقولاتی مثل تعارض فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، رشد فناوری و اطلاعات روز به روز پیشرفته تر و گسترده تر و در مجموع مسائلی را موجب شده که محیط امنیتی کلان شهرها را با پیچیدگی‌های خاص روبرو کرده است. با توجه به این نظریه می‌توان گفت؛ شرایط حاکم بر محیط اقتصادی و نیز شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و ویژگی نهادها و محدودیت‌های رسمی موجود، نابرابری اقتصادی و اختلافات طبقاتی،

1. Parck

2. Park & Bergs

3. Cliffordshaw & Henery Mc Kay

مشکلات اقتصادی و گسترش حاشیه نشینی مهمترین بسترهای شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا است.

نظریه عمومی فشار

نظریه فشار ابتداء توسط «رابرت مرتن»^۱ به منظور تبیین جرایم طبقه فرودست جامعه مطرح شد. وی با عنایت به بافت اجتماعی جامعه آمریکا، دو مفهوم کلیدی را مطرح می‌کند: «ابزار» و «اهداف». وی بیان داشت جرم زمانی رخ می‌دهد که ابزارهای در دسترس، تکافوی نیل به اهداف ترویج شده نظیر برخورداری از موقعیت ممتاز از سوی جامعه را نداشته باشد (عارفی، ۱۳۹۶: ۸۶۹).

بر مبنای این نظریه دستیابی به ثروت خود می‌تواند به اهداف بلندتری بینجامد؛ زیرا نیازهای ضروری برآورده شده و قدرت در کنار ثروت، اشتهای افراد را افزایش دهد. تأکید گزاف بر مصرف‌گرایی در آمریکا موجب شده تا طبقات متوسط و بالا بیش از حد ولخرجی نمایند. قشر فرودست نیز از بحران‌های مالی هم‌چون مشکلات حوزه بهداشت، رکود اقتصادی و بیکاری در امان نیستند علاوه بر این، نسبت به برخی از گونه‌های فشار همچون ضررهای مالی، شکست در بورس و ترس از دست دادن شغل آسیب‌پذیری بیشتری دارند بنابراین، فشار عمومی بر کنشگران شخصی و سازمانی اعمال می‌شود و آنها را به ارتکاب جرایم سوق می‌دهد (بنسون و سیمپسون، ۲۰۰۹: ۷۱). در این نظریه اهداف، انباشت سرمایه در رقابت آزاد اشخاص، رفاه و دستیابی به فرصت‌های بالای شغلی و به طور کلی یک زندگی آرمانی به شمار می‌رود. وسایل نیز ابزارهایی به شمار می‌روند که موجب دستیابی افراد به این اهداف می‌گردند. همانگونه که بیان شد پیش فرض ابتدایی در این نظریه آن است که همه افراد از فرصت یکسانی جهت رسیدن به آرمان‌های مورد نظر برخوردارند، اما مشاهدات

عینی نشان می‌دهد که برابری در دستیابی به اهداف در بین آحاد جامعه وجود ندارد. بر این اساس و در جوامع مختلف مشاهده می‌شود که پایگاه اجتماعی، ثروت، قدرت و علم در دست طبقه‌ای خاص است و دیگر لایه‌های اجتماع فرصت دستیابی به این اهداف را نمی‌یابند؛ بنابراین می‌توان بیان داشت در چنین جامعه‌ای نابرابری‌های غیر رسمی بر برابری‌های رسمی غلبه کرده، موجب می‌شود تا برخی از افراد با سازوکارهای غیر رسمی از جمله رانت به اهداف خود دست یابند و عده‌ای دیگر که ناتوان از دستیابی به نابرابری‌های غیر رسمی هستند، از دستیابی به اهداف خود ناکام مانند. بنابراین زمانی که افراد از طرق قانونی به اهداف خود نمی‌رسند، با توسل به طرق غیر قانونی و در نتیجه فشار در پی کسب پایگاه اجتماعی بالاتر بر می‌آیند. در این بستر، هم قشر نابرخوردار و هم طبقه ثروتمند، به سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. قشر نابرخوردار با هدف دستیابی به حداقل منافع و طبقه ثروتمند به امید دستیابی به پایگاه اجتماعی بالاتر مرتکب جرم می‌گردند. لذا فشار در این مفهوم به مثابه شکست محتمل یا واقعی در دستیابی به اهداف تعریف می‌شود. لذا نظریه فشار اقتصادی، ارتکاب جرم را نتیجه بدیهی ساخت‌های اجتماعی و به ویژه ساختارهای اقتصادی فرصت‌زای جرم می‌پندارد (قپانچی و همکاران ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۶۶). با نگاهی به این نظریه در خصوص قاچاق کالا می‌توان گفت: وجود رانتخوارها در کشور را که در سایه تصدی‌گری دولت بر خدمات اقتصادی بوجود آمده‌اند، مشکل بزرگ ایجاد اصلاحات در ساختار فعالیت‌های اقتصادی است. وجود رانت‌های اقتصادی در بسترهای تجاری کشور و فقدان فرصت برابر در دستیابی به اهداف مشخص و نابرابری‌های غیر رسمی در نظام تجاری، از بسترهای ظهور و بحران آفرینی باندهای قاچاق کالا به شمار می‌رود.

نظریه‌ی جرایم سازمان یافته

ادوین ساترلند در سال ۱۹۴۰ مفهوم "جرایم یقه سفیدها" را برای اولین بار وارد حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی کرد تا آن زمان به نظر اکثر نظریه پردازان جرم را یک پدیده پاتولوژیک، زیستی و اجتماعی بود که بر طبقات پایین جامعه متمرکز بوده است. اما ساترلند، آن نظر را به چالش کشید و گفت مجرمان یقه سفید، دارای موقعیت، احترام و قابلیت انطباق اجتماعی عالی هستند و با سوء استفاده از همین موقعیت‌ها مرتکب جرایم و مفساد اقتصادی مرتبط با شغل خود می‌شوند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۱: پیشگفتار).

در واقع جرم یقه سفیدی جرمی است که شخص قابل احترام و برخوردار از یک موقعیت عالی اجتماعی، به اعتبار حوزه نفوذ خود و سوء استفاده از اعتماد و اطمینان ایجاد شده انجام می‌دهد. حقیقت موضوع آن است که جرم یقه سفیدی، ابتدا در فعالیت‌های شغلی مشروع در سطحی گسترده ریشه دارد و پس از مدتی، ضمن اعتماد سازی‌های دروغین، رشد می‌یابد و پیشرفت‌های اقتصادی و تحولات اجتماعی نیز به این نوع جرایم دامن می‌زند. بزهدکار یقه سفید با استفاده از اقتدار و جاهت اجتماعی و سیاسی بالا و در پناه ظاهر فریبنده و استعداد فکری خود، به ارتکاب جرایمی همچون اختلاس، پولشویی، جعل و بزه‌های کلان مالی به جاهت بخشی صوری به درآمدهای نا مشروع خود دست می‌زند.

با توجه به این نظریه می‌توان گفت یقه سفیدها قابلیت انطباق اجتماعی بهتری دارند و لذا کشف جرم یقه سفیدها دشوار است. حتی اگر جرم‌شان کشف شود با استفاده از وکلای زبردست، کارشناسان خبره دستگیری، نفوذ و سند سازی‌ها کار خود را قانونی جلوه می‌دهند. چون یقه سفیدها افرادی موجه در اجتماع هستند و در مقام قدرت یا وابسته به قدرت و یا با نهاد قدرت در ارتباط هستند، مقامات پلیس باید توجه بیشتری به

جلوگیری تشکیل باند توسط این عده که قدرت رهبری و تشکیل باندهای مجرمانه را دارند داشته باشند.

نظریه پیشگیری وضعی

اقدامات پلیس در راستای پیشگیری از بزه کاری اعم از اقدام در راستای پیشگیری کیفری و یا پیشگیری غیر کیفری است. از نگاه دیگری می‌توان گفت پیشگیری پلیسی مبتنی بر قابلیت‌های نیروی پلیس در تحقق اهداف پیشگیری از جرم است که این قابلیت‌ها در قالب اختیارات و توانایی‌های نیروی پلیس در پیشگیری از جرم در جامعه ظاهر می‌شوند؛ زیرا نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه، خواه پس از وقوع آن و خواه پیش از وقوع جرم می‌تواند نقش بسزایی در کاهش نرخ جرایم داشته باشد. بنابراین اجرای قسمتی از برنامه‌های پیشگیرانه می‌تواند در صلاحیت پلیس قرار بگیرد و مسئله هدایت آن‌ها در مرحله عمل نیز می‌تواند موضوعیت پیدا کند. برخی از جرم‌شناسان، از جمله کلارک، پیشگیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کنند که برای کاهش فرصت به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود و نیازمند طراحی و مدیریت محیط مستقیم (صحنه و محل وقوع جرم) است، به گونه‌ای که سختی و خطر اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سود انگاری مجرمانه را پایین می‌آورد (صفاری، ۱۳۹۰: ۲۹۰).

در نهایت می‌توان گفت پلیس در انواع روش‌های پیشگیری از جرم نقش مهمی دارد و بدون انجام وظیفه مستمر در این زمینه عملاً اقدامات پیشگیرانه با موفقیت کامل و پایدار مواجه نمی‌شود. نقش پلیس در پیشگیری از فرآیند قاچاق کالا، نقشی مهم و در حکم بازوی قوه قضائیه، برای اجرایی نمودن اقدامات پیشگیرانه است. پلیس به عنوان یک عنصر اجتماعی تخصصی و فعال ضد باندهای قاچاق کالا سعی می‌کند، در انواع رویکردهای پیشگیرانه نقشی موثر داشته باشد و همواره تلاش دارد با توجه به

محدودیت طبیعی منابع و امکانات حتی المقدور با صرف هزینه کمتر و بازدهی بیشتر در زمینه انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم موثر باشد.

در این خصوص قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ عمدتاً بر پایه تدابیر کنترلی و نظارتی سعی در سخت کردن دسترسی به آماج، افزایش خطر ارتکاب و در نهایت فرصت زدایی از قاچاقچیان بالقوه دارد. شناسایی باندهای قاچاق کالا نیز از این امر مستثنی نبوده و با توجه به گستردگی و پیچیدگی آن در سطح کشور نیاز به ایجاد سامانه‌های مختلفی جهت پیشگیری و مبارزه با این پدیده است. (صوری پور و صفایی آتشگاه ۱۳۹۵: ۱۷۹).

روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت آمیخته (کیفی - کمی) است. جامعه آماری این پژوهش در فاز کیفی شامل خبرگان و صاحب نظران حوزه پیشگیری از جرم و مبارزه با قاچاق کالا در پلیس‌های تخصصی و فرماندهی انتظامی تهران بزرگ و مدیران ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی که بالغ بر ۳۰ نفر بودند. که بر اساس اصل اشباع نظری با ۲۶ نفر مصاحبه صورت گرفت. جامعه آماری در فاز کمی این پژوهش شامل کارشناسان صفی و ستادی پلیس (پلیس مبارزه با قاچاق کالا، پلیس پیشگیری، پلیس آگاهی، ستاد فرماندهی مرزبانی ناجا و فرماندهی انتظامی تهران بزرگ و پلیس‌های تخصصی تابعه) و کارشناسان سازمان‌های (گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تعزیرات حکومتی) که در شغل‌های مرتبط با پیشگیری و قاچاق کالا فعالیت دارند که تعداد آنها ۲۱۵۰ بوده که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند، و روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای برای هر طبقه نسبت (سهم) جامعه نمونه را با توجه به نسبت جمعیت هر طبقه به کل جامعه، بدست آورده شد.

جدول ۱: توزیع تعداد پرسشنامه در طبقه‌های مورد مطالعه

ردیف	نام سازمان	تعداد طبقه	درصد طبقه	تعداد نمونه
۱	نیروی انتظامی	۱۲۳۷	۵۷/۵	۲۳۰
۲	گمرک	۲۶۸	۱۲/۵	۵۰
۳	ستاد قاچاق کالا	۴۵۷	۲۱/۲	۸۴
۴	تجزیرات حکومتی	۱۸۸	۸/۸	۳۵

روایی و پایایی این پژوهش در فاز کیفی برای تایید اعتبار و مقبولیت داده‌ها و کد گذار تعدادی از مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده در اختیار چندین پژوهشگر گذاشته شد که با نحوه تحلیل تحقیقات کیفی آشنا بود، و از آنان خواسته شد تا صحت این کدگذاری را مورد بررسی قرار دهند. و در فاز کمی پرسش‌نامه پژوهش شامل ۶۴ شاخص / گویه است، شاخص‌ها از نوع بسته و از طیف ۵ گزینه ای لیکرت است. جهت بررسی روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه در اختیار تعدادی از متخصصان امر قرار گرفت. نظر صاحب‌نظران در خصوص روایی آن مثبت بوده است. در مرحله‌ی نهایی اجرای ابزار پژوهش، اقدام به اجرای مقدماتی یا پایلوت^۱ شد و در نهایت پس از حذف یا اصلاح سؤالات نامناسب، ابزار نهایی جهت اجرا بر روی جامعه مورد نظر آماده شد. در خصوص میزان پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ نتایج محاسبه شد که ضریب آلفای هر بعد ۱۷ گانه بالای ۰/۷۰ بود و آلفای کل برابر ۰/۸۳ / بود که نشان دهنده پایایی پرسشنامه است. در فاز کیفی برای تحلیل مصاحبه‌خبرگان، از نرم افزار مکس کیو دی ای^۲ نسخه ۳-۱۲ و در فاز کمی از روش‌های آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی و نمودار استفاده شد و در روش

1. Pilot Study

2. MAXQDApro12-3

استنباطی از آزمون‌های تی زوجی، تی تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن^۱ و آزمون کلموگروف - اسمیرنوف^۲ استفاده گردید.

الگوی مفهومی

در فاز کیفی این پژوهش عوامل مؤثر بر پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بر حسب نقش پلیس از دیدگاه خبرگان در ۴ بعد اجزای ساختاری، اجزای محتوایی، تعامل و مشارکت و آموزش و اطلاع‌رسانی پلیس، و ۱۷ مولفه؛ راهبرد سازمانی، ساختار سازمانی، اختیارات قانونی، تکنولوژی و فناوری اطلاعات، حساسیت و نگاه کلان به باندهای قاچاق کالا، سرمایه‌گذاری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق، سامانه‌های یکپارچه، توانمندسازی و تخصص‌گرایی کارکنان پلیس، اشراف اطلاعاتی، فرماندهی و مدیریت، تعامل و مشارکت با قوه مجریه، تعامل و مشارکت با قوه مقننه، تعامل و مشارکت با قوه قضائیه، تعامل و مشارکت با رسانه‌ها و تعامل و مشارکت با سایر نیروهای مسلح، آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم، آموزش و اطلاع‌رسانی به سازمان‌ها و نهادها، استخراج گردید. در این راستا الگوی مفهومی این پژوهش با تلفیق تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و بررسی مطالعات مختلف به صورت زیر تدوین گردید که مبنای آزمون‌های بخش کمی نیز قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Friedman test
2. Kolmogorov-Smirnov test

شکل ۲: الگوی مفهومی پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس



یافته‌های پژوهش

الف: یافته‌های فاز کیفی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- تحلیل یافته‌های توصیفی فاز کیفی

برای جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی با ۲۶ نفر از خبرگان در پلیس‌های تخصصی و متخصصان برون‌سازمانی در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری، گمرک و تعزیرات مصاحبه شد. در این جا متغیرهای جمعیت‌شناختی بخش کیفی، میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان و تحلیل مضمون داده‌های حاصل از مصاحبه ارائه می‌شود.

جدول ۱: حوزه فعالیت و تخصص مصاحبه شوندگان فاز کیفی

حوزه فعالیت	تعداد	فراوانی نسبی	درصد فراوانی (%)	درصد تجمعی (%)
پلیس	۱۷	.۶۵۳۸	%۶۵/۳۸	%۶۵/۳۸
ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری	۳	.۱۱۵۴	%۱۱/۵۴	%۷۶/۹۲
گمرک	۳	.۱۱۵۴	%۱۱/۵۴	%۸۸/۴۶
تعزیرات	۳	.۱۱۵۴	%۱۱/۵۴	%۱۰۰
مجموع	۲۶	۱	%۱۰۰	

شرکت کنندگان در مصاحبه های انجام شده این پژوهش تعداد ۱۷ نفر از فرماندهان و مدیران پلیس های تخصصی در پلیس مبارزه با قاچاق کالا، فتا، مبارزه با مواد مخدر، پیشگیری و آگاهی، ۳ نفر از مدیران ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۳ نفر در گمرک و ۳ نفر در سازمان تعزیرات حکومتی می باشند.

جدول ۲: میزان تحصیلات مصاحبه شوندگان بخش کیفی

میزان تحصیل	تعداد	فراوانی نسبی	درصد فراوانی نسبی (%)	درصد تجمعی (%)
دکتری	۹	.۳۴۶۲	%۳۴/۶۲	%۳۴/۶۲
کارشناسی ارشد	۱۷	.۶۵۳۸	%۶۵/۳۸	%۱۰۰
مجموع	۲۶	۱	%۱۰۰	

وضعیت تحصیلی جامعه آماری در جدول ۲ نشان داده شده است. همانطوری که مشاهده مشاهده می شود تعداد ۱۷ نفر از آن ها دارای مدرک کارشناسی ارشد و تعداد ۹ نفر دارای مدرک دکتری هستند.

۲- تحلیل یافته های استنباطی فاز کیفی

در این پژوهش پس از پیاده سازی مصاحبه ها، با توجه به اهداف پژوهش مفاهیم و مضامین مستخرج از فرآیند کد گذاری داده های متنی کد گذاری شدند. در این چارچوب ۱۷ مضمون اصلی و ۶۴ مضمون فرعی از ابعاد پژوهش در خصوص مولفه ها و شاخص های پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس شناسایی شد. در جدول ۳ یافته های فاز کیفی ارائه شده اند.

جدول ۳: مضامین ابعاد پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس

ابعاد	مضامین اصلی	مضامین فرعی مولفه های
۱- اجزای ساختاری	۱. ساختار سازمانی ۲. راهبرد سازمانی ۳. اختیارات قانونی ۴. تکنولوژی و فناوری اطلاعات ۵. حساسیت و نگاه کلان به باندهای قاچاق کالا در سیاست های پیشگیرانه پلیس ۶. سرمایه گذاری پلیس در پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق	یکپارچه بودن سامانه های اطلاعاتی، عملیاتی و اجرایی پلیس، یکپارچه سازی اطلاعات سازمان ها متولی مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا، هماهنگی بین پلیس های تخصصی در خصوص مقابله و پیشگیری از قاچاق کالای باندى، دسترسی پلیس به اطلاعات اقتصادی برای عقیق سازی شکل گیری باندهای قاچاق کالا از مبادی رسمی، ایجاد مدیریت واحد و برنامه ریز صحیح در پلیس (پلیس گمرک) برای مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا از مبادی رسمی، توانمند سازی پلیس برای پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا، توانمند

سازی پلیس برای توسعه و تثبیت امنیت در مناطق حاشیه ای شهر، توانمند سازی پلیس در جهت آشنایی با شیوه های قاچاق کالای باندى و تحليل های حرفه ای در خصوص نحوه شکل گیری باندهای قاچاق کالا، توانمند سازی پلیس برای رفع نقاط ضعف در تعامل و همکاری مناسب سازمان های دخیل در پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا، توانمند سازی پلیس برای کنترل و نظارت بر مبادی رسمی ورود کالا، اولویت دادن به بهره گیری از اطلاعات، آمار و شیوه های قاچاق کالای باندى، جمع آوری اخبار و اطلاعات از طریق راه اندازی پایگاه ها و بانک های اطلاعاتی و تلفن مخصوص قاچاق کالا همانند شماره ۱۱۰، اولویت دادن به شناخت منشا و چگونگی شکل گیری باندهای قاچاق کالا، بهره گیری از بانک های اطلاعاتی روزآمد اقتصادی و گمرکی، اولویت دادن به بهره گیری از منابع و مخبرین و حراست ادارات و سازمان های دست اندر کار واردات و صادرات کالا، شناسایی و اشراف بر باندها و شبکه های حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای

<p>قاچاق ، مسئول سازی سازمان های دخیل در امر مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا، استفاده از اقدامات پیش دستانه برای پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا از مبادی رسمی، مطالبه گری فرماندهان و مدیران پلیس در خصوص سیستمی و باندى بودن قاچاق کالا</p>		
<p>یکپارچه بودن سامانه های اطلاعاتی، عملیاتی و اجرایی پلیس ، یکپارچه سازی اطلاعات سازمان ها متولی مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا، هماهنگی بین پلیس های تخصصی در خصوص مقابله و پیشگیری از قاچاق کالای باندى، دسترسی پلیس به اطلاعات اقتصادی برای عقیم سازی شکل گیری باندهای قاچاق کالا از مبادی رسمی، ایجاد مدیریت واحد و برنامه ریز صحیح در پلیس (پلیس گمرک) برای مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا از مبادی رسمی، توانمند سازی پلیس برای پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا، توانمند سازی پلیس برای توسعه و تثبیت امنیت در مناطق حاشیه ای شهر، توانمند سازی پلیس در جهت آشنایی با شیوه های قاچاق کالای باندى و تحلیل های حرفه ای در خصوص نحوه</p>	<p>۱. سامانه های یکپارچه ۲. توانمندسازی و تخصص گزایی کارکنان پلیس ۳. اشراف اطلاعاتی ۴. فرماندهی و مدیریت</p>	<p>۲-اجزای محتوایی</p>

شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، توانمند سازی پلیس برای رفع نقاط ضعف در تعامل و همکاری مناسب سازمان‌های دخیل در پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا، توانمند سازی پلیس برای کنترل و نظارت بر مبادی رسمی ورود کالا، اولویت دادن به بهره‌گیری از اطلاعات، آمار و شیوه‌های قاچاق کالای باندى، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از طریق راه‌اندازی پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی و تلفن مخصوص قاچاق کالا همانند شماره ۱۱۰، اولویت دادن به شناخت منشا و چگونگی شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، بهره‌گیری از بانک‌های اطلاعاتی روزآمد اقتصادی و گمرکی، اولویت دادن به بهره‌گیری از منابع و مخبرین و حراست ادارات و سازمان‌های دست‌اندرکار واردات و صادرات کالا، شناسایی و اشراف بر باندها و شبکه‌های حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای قاچاق، مسئول‌سازی سازمان‌های دخیل در امر مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا، استفاده از اقدامات پیش‌دستانه برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا از مبادی رسمی،

<p>مطالبه‌گری فرماندهان و مدیران پلیس در خصوص سیستمی و بانندی بودن قاچاق کالا</p>		
<p>تعامل و مشارکت پلیس با سازمان‌های گمرک، وزارت اقتصاد، وزارت راه و شهرسازی در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندها و گروه‌های قاچاق کالای رسمی، تعامل و مشارکت پلیس با وزارت صنعت و معدن و تجارت و اتحادیه اصناف در جهت پیشگیری از فعالیت‌های غیرقانونی باندها و شبکه‌های عرضه و فروش کالای قاچاق، تعامل و مشارکت با ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و بانک مرکزی برای هماهنگی فعالیت‌های پیشگیرانه، تعامل و مشارکت پلیس با وزارت اطلاعات در جهت پیشگیری از فعالیت‌های باندها و شبکه‌های حمل و نقل قاچاق کالا، تهیه و پیشنهاد لوایح به مجلس از طرق قانونی و دفاع از آن‌ها، ارائه آمار دقیق باندهای واردکننده قاچاق کالا از مبادی رسمی به مجلس، ارائه گزارش دخالت کارکنان دولت و سایر سازمان‌ها در امر قاچاق کالا از مبادی رسمی به مجلس، تعامل و مشارکت با مجلس در راستای تدوین قوانین و</p>	<p>۱. تعامل و مشارکت با قوه مجریه ۲. تعامل و مشارکت با قوه قضائیه ۳. تعامل و مشارکت با قوه مقننه ۴. تعامل و مشارکت با رسانه‌ها ۵. تعامل و مشارکت با سایر نیروهای مسلح</p>	<p>۳- تعامل و مشارکت</p>

مقررات متناسب جهت مسدود نمودن راه های گریز قانونی قاچاقچیان عمده، تعامل و مشارکت پلیس با دستگاه قضایی در زمینه جلب همکاری سازمان ها و نهادهای مرتبط با قاچاق کالا برای ایجاد هماهنگی در پیشگیری و کنترل باندهای قاچاق کالا، تعامل و مشارکت پلیس و دستگاه قضایی در زمینه اقدامات پیش دستانه برای پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا، تعامل و مشارکت با قوه قضائیه برای حمایت و هماهنگی در خصوص اجرای طرح های پیشگیری و مقابله با باندها و شبکه های نگهداری قاچاق کالا، تعامل و مشارکت با قوه قضائیه در جهت پیشگیری از ورود قاچاق کالا توسط باندها و شبکه های عبور مرزی قاچاق کالا، بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه های جمعی، آگاه سازی فعالیت های سازماندهی شده به جامعه، تعامل و مشارکت با ارتش برای استفاده از ظرفیت های موجود آن، تعامل و مشارکت با بسیج برای استفاده از ظرفیت های موجود آن، تعامل و مشارکت با سپاه برای استفاده از ظرفیت های موجود آن، تعامل و مشارکت با ستاد کل

<p>نیروهای مسلح برای ایجاد ساختار جدید پلیس مبارزه با جرایم سازمان یافته و بانندی</p>		
<p>گزارش دهی عمومی از اقدامات پلیسی در خصوص اقدامات باندهای قاچاق کالا، ارائه طرح‌های آگاه‌سازی برای آموزش سازمان‌ها و نهادهای دواتی، بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌های جمعی در جهت آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم، تقویت حس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی مردم، تلاش برای تقویت فرهنگ استفاده از کالای داخلی، تلاش برای بسیج جامعه از طریق آموزش عمومی و بالا بردن سطح آگاهی آن‌ها در جهت جلب مشارکت مردمی، شناسایی زمینه‌های وقوع قاچاق کالا و هشدار در مورد تکرار آن</p>	<p>۱. آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم سازمان‌ها و نهادها ۲. هدفمندسازی آموزش و اطلاع‌رسانی پلیسی</p>	<p>۴-آموزش و اطلاع‌رسانی</p>

ب: یافته‌های فاز کمی

۱- تحلیل یافته‌های توصیفی فاز کمی

ویژگی‌های شغلی جامعه آماری: ویژگی‌های شغلی جامعه آماری پژوهش در جدول

شماره ۴، ارائه شده است.

جدول ۴: ویژگی های شغلی جامعه نمونه پژوهش

ردیف	شغل پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
۱	بدون پاسخ	۱	۰/۲	۰/۲
۲	کارشناس	۲۷۷	۶۹/۳	۶۹/۵
۳	مدیر	۱۱۴	۲۸/۵	۹۸
۴	هیئت علمی	۸	۲	۱۰۰
۵	جمع	۴۰۰	۱۰۰	

باتوجه به جدول مربوط به وضعیت شغل پاسخ دهندگان مشخص می شود، بیشترین درصد پاسخ دهندگان یعنی ۶۹,۳ درصد کارشناس و پس از آن به ترتیب مربوط به گروه مدیران با ۲۸/۵ و هیئت علمی با ۲ درصد می باشند. سازمان محل خدمت جامعه آماری: سازمان محل خدمت پاسخ دهندگان به پرسشنامه پژوهش در جدول شماره ۵، ارائه شده است.

جدول ۵: سازمان محل خدمت پاسخ دهندگان جامعه نمونه پژوهش

ردیف	سازمان پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
۱	بدون پاسخ	۱	۰/۲	۰/۲
۲	نیروی انتظامی	۲۳۰	۵۷/۵	۵۷/۸
۳	گمرک	۵۰	۱۲/۵	۷۰/۳
۴	ستاد قاچاق کالا	۸۴	۲۱	۹۱/۳
۵	تغزیرات حکومتی	۳۵	۸/۸	۱۰۰
۶	جمع	۴۰۰	۱۰۰	

نتایج جدول مربوط به وضعیت سازمان محل خدمت پاسخ دهندگان نشان می دهد که، بیشترین درصد پاسخ دهندگان یعنی ۵۷,۵ درصد مربوط به نیروی انتظامی و پس از آن

به ترتیب ۲۱ درصد مربوط به ستاد قاچاق کالا، ۱۲/۵ درصد گمرک و ۸/۸ درصد مربوط به سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشند.

ب: تحلیل یافته‌های استنباطی فاز کمی

۱- تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب

در این قسمت ابتدا میانگین هر یک از شاخص‌ها در هر بعد محاسبه شد، سپس با محاسبه میانگین کل شاخص‌های هر بعد، به مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان در وضع موجود و مطلوب پرداخته شد. به همین جهت از آزمون تی زوجی برای مقایسه و بررسی تحلیل شکاف استفاده شد که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۶: تحلیل شکاف بین وضع موجود و مطلوب در همه ابعاد

ردیف	ابعاد	میانگین نمره وضع موجود	میانگین نمره وضع مطلوب
۱	اجزای ساختاری پلیس	۱/۹۸	۰/۳۵۶۲۳
۲	اجزای محتوایی پلیس	۱/۵۹	۰/۴۳۰۱۴
۳	آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب پلیس	۲/۴۷	۰/۶۲۳۴۸
۴	تعامل و مشارکت پلیس	۲/۲۶	۰/۴۹۹۸۳

جدول فوق بیانگر آن است که در همه ابعاد "نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا" بین میانگین نظرات پاسخگویان در وضع موجود و مطلوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به نحوی که میانگین نمرات سه بعد اجزای محتوایی، اجزای ساختاری و تعامل و مشارکت در وضع مطلوب بالاتر از حد متوسط یعنی نمره ۳ با توجه به طیف لیکرت پرسشنامه (۱-۵) است و میانگین نمرات بعد آموزش و اطلاع‌رسانی پلیس کمتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین در وضع موجود مشخص شد که بیشترین میانگین نمره مربوط به بعد آموزش و اطلاع‌رسانی پلیس با نمره ۲،۴۶ می‌باشد و پس از آن به ترتیب ابعاد تعامل و مشارکت با میانگین نمره ۲،۲۵، بعد اجزای

ساختاری پلیس با میانگین نمره ۱,۹۸ و بعد اجزای محتوایی با میانگین نمره ۱,۵۹ در رتبه های آخر قرار دارند.

۲- میزان تاثیر گذاری نقش پلیس در پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا در وضع مطلوب

برای بررسی میزان تاثیر گذاری ابعاد مختلف نقش پلیس در پیشگیری از شکل گیری باندهای بزهکاری قاچاق کالا از آزمون خی دو و آزمون رتبه بندی فریدمن استفاده شد که گزارش نرم افزار SPSS به شرح ذیل می باشد :

جدول ۷: نتایج آزمون خی دو

۴۰۰	تعداد
۸۹۷/۰۱۹	مقدار آزمون خی دو
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به مقدار آزمون خی دو که ۸۹۷/۰۱۹ و سطح معناداری که ۰/۰۰۰ است می توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد رتبه بندی فریدمن معتبر می باشد.

جدول ۸: اولویت بندی ابعاد مختلف نقش پلیس در پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا (بر اساس میانگین های رتبه ای حاصل از آزمون فریدمن)

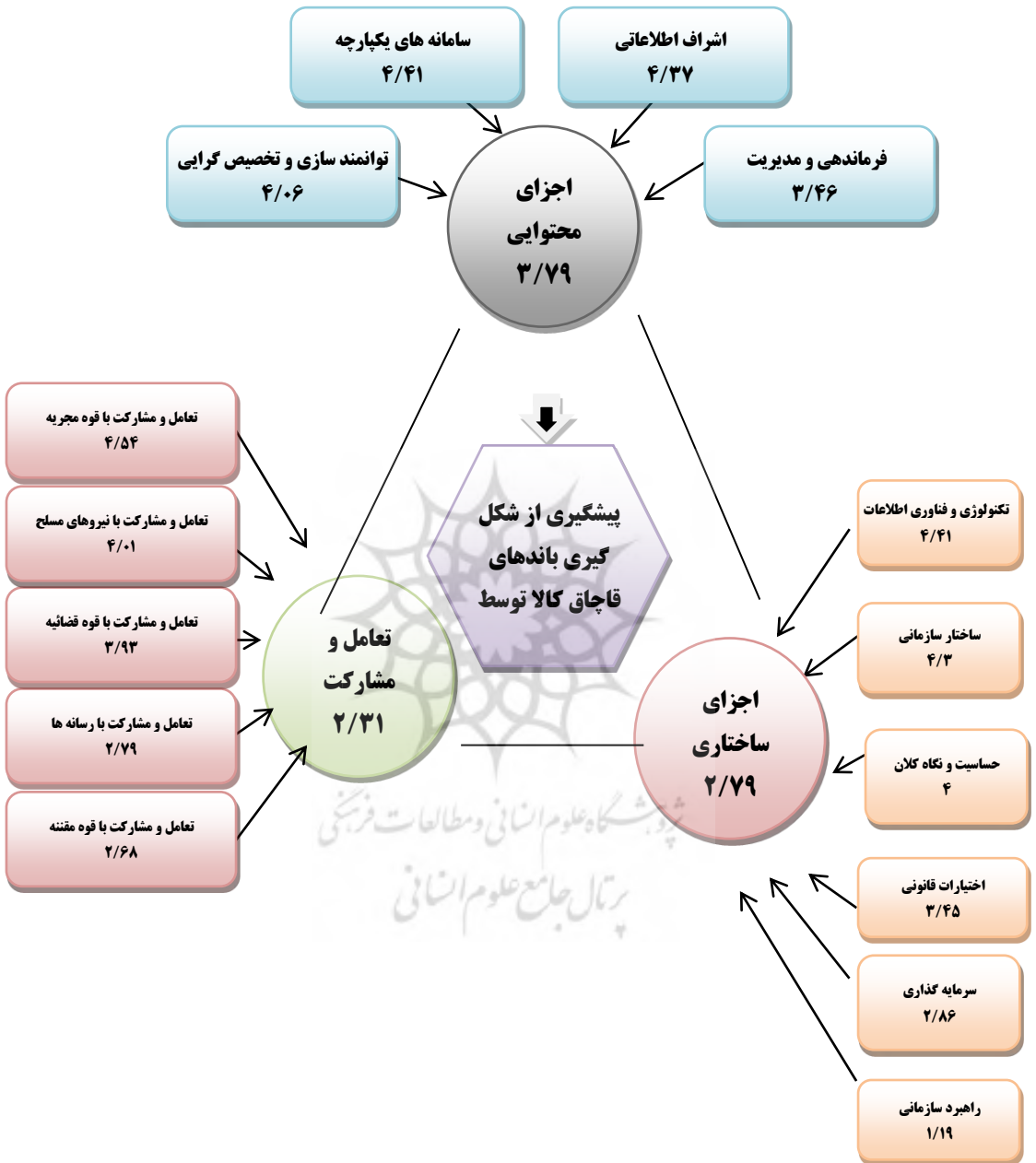
ردیف	ابعاد مختلف نقش پلیس	میانگین رتبه
۱	اجزای محتوایی	۳/۷۹
۲	اجزای ساختاری	۲/۷۹
۳	تعامل و مشارکت پلیس با جامعه و نهادهای برون سازمانی	۲/۳۱
۴	آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی	۱/۱۱

همانطور که در جدول ۷ مشخص است در بررسی رتبه بندی سوالات مشخص می شود اجزای محتوایی پلیس با میانگین رتبه ۳/۷۹ در رتبه اول، اجزای ساختاری پلیس با میانگین رتبه ۲/۷۹ در رتبه دوم، تعامل و مشارکت پلیس با جامعه و نهادهای برون سازمانی با میانگین رتبه ۲/۳۱ در رتبه سوم و آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی با میانگین رتبه ۱/۱۱ در رتبه آخر اهمیت قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق نتایج تحلیل آزمون‌ها، میزان تاثیر اجزای ساختاری، اجزای محتوایی، تعامل و مشارکت پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی شده است. بنابراین در پاسخ به سوال هایی که در صدد پاسخ آن بودیم به این نتیجه رسیدیم که ۱- اصلاح اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا موجب پویایی آن و در نتیجه پیشگیری موثرتر از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا می‌شود ۲- تقویت اجزای محتوایی پلیس از عناصری اساسی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا می‌باشند. ۳- تعامل و مشارکت پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی در پیشگیری اجتماعی از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا ضروری می‌باشد. همچنین برای بررسی "شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در ابعاد اجزای ساختاری، اجزای محتوایی، تعامل و مشارکت پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا" از آزمون تی- زوجی استفاده شد، که نتایج این آزمون دلالت بر وجود شکاف معنادار وضعیت موجود و مطلوب نقش این ابعاد در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا دارد. از سوی دیگر مطابق نتایج تحلیل آزمون‌ها، میزان تاثیر آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در کشور کمتر از حد متوسط و در سطح پایینی ارزیابی شد. بنابراین فرضیه

چهارم مبنی بر (آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی موجب کاهش تمایل به عضویت در باندهای قاچاق کالا می باشد) **تایید نشد**. هم-چنین برای بررسی "شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در بعد آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا" از آزمون تی-زوجی استفاده شد، که در نتایج بدست آمده، شکاف معناداری در وضعیت موجود و مطلوب **مشاهده نشد**. در نهایت در بررسی رتبه بندی سوالات مشخص شد که برای رسیدن نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا به وضعیت مطلوب؛ تقویت اجزای محتوایی پلیس با میانگین رتبه ۳/۷۹ در رتبه اول بیشترین نقش را در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا دارد و پس از آن اصلاح اجزای ساختاری پلیس با میانگین رتبه ۲/۷۹ در رتبه دوم و نقش تعاملی و مشارکتی پلیس با جامعه و نهادهای برون سازمانی با میانگین رتبه ۲/۳۱ رتبه سوم و آموزش و اطلاع رسانی پلیس در سطح جامعه و نهادهای برون سازمانی با میانگین رتبه ۱/۱۱ در رتبه آخر و کمترین نقش را در پیشگیری پلیس از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا دارد. به همین منظور پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، لازم است که بر روی سه بعد اجزای محتوایی، اجزای ساختاری و تعامل و مشارکت به خصوص در ابعاد محتوایی و ساختاری به دلیل شکاف بیشتر تاکید نماید. بنابراین با توجه به این که شکاف در وضع موجود و مطلوب در این دو بعد نسبت به بقیه ی ابعاد بیشتر است ابتدا لازم است شکاف بین وضع موجود و مطلوب در این دو بعد اصلاح و سپس با بررسی و پیگیری های لازم سایر ابعاد نیز اصلاح شود. بنابراین بر اساس نتایج بخش های مختلف این پژوهش، الگوی عملیاتی (نهایی) پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا به صورت شکل شماره ۲ به دست آمد.



شکل ۲: الگوی عملیاتی پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا توسط پلیس

در نهایت نتایج بیانگر آن است قاچاق کالا در کشور ایران توسط باندها و گروه‌های منسجم و بعضاً سازمان یافته یک واقعیت غیر قابل انکار است. قاچاق کالا توسط این باندها در وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور همانند بیماری پیش رونده‌ای است که با غفلت دولت‌ها تا عمق وجود جامعه رسوخ و درمان (پیشگیری) را بسیار مشکل کرده است. از طرف دیگر در کشور ما امر مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا خصوصاً در سطح کلان آن غالباً مقطعی است. این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که کشور ایران طبق اسناد بالادستی از قبیل سند چشم انداز ۲۰ ساله، برنامه ششم توسعه و راهنمایی‌های رهبری، آینده‌ای روشن را در زمینه اقتصاد کشور پیش رو دارد. به همین دلیل هر سازمان، نهاد و فردی باید در جستجوی راهبردهایی برای کمک به این امر باشد. پلیس هم به نوبه‌ی خود نقش بسزایی در امنیت اقتصادی دارد و مهمترین نقش آن می‌تواند، گرایش به سمت اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه در خصوص قاچاق کالا و شکل-گیری باندهای قاچاق باشد. لذا در این خصوص مطابق پیمایش انجام شده در این پژوهش در وضعیت موجود، موارد ذیل به عنوان **موانع ایفای نقش موفق پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا** احصاء شده‌اند:

۱- در وضعیت موجود هرچند "پلیس مبارزه با قاچاق کالا" وظیفه مبارزه با قاچاق کالا را بر عهده دارد، اما گذشت بیش از چند سال از تشکیل این پلیس به عنوان یکی از یگان‌های زیر مجموعه پلیس آگاهی و مشخص نبودن راهبردهای این پلیس در زمینه قاچاق کالا و اجرایی نشدن بسیاری از تدابیری پیشگیرانه، نشانگر این است که این پلیس از قدرت اجرایی بالایی در این زمینه برخوردار نیست. از این رو جهت اجرای برنامه‌های پیشگیری از قاچاق کالا، با توجه به تجارب کسب شده جهت عملیاتی شدن و فراتر از آن، جهت اثر بخشی و کارایی اقدامات، ضرورت وجود پلیسی هدفمند و با

قدرت اجرایی بالا همانند ساختار موجود پلیس فتا در زمینه پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا در ساختار فعلی پلیس احساس می‌شود.

هم‌چنین در وضعیت موجود با وجود گستردگی قاچاق باندهای سازمان یافته کالا و هم‌چنین فرصت‌های موجود برای یقه سفیدان، ایجاد تدابیر بیشتری برای اقدامات پلیس در این زمینه ضروری است. البته مقنن از گذر برنامه‌هایی با کارکرد یکپارچه سازی اطلاعات، الکترونیکی کردن اسناد و نظارت فناورانه بر مبادی ورودی و خروجی و مسیرها در صدد پیشگیری از قاچاق کالا می‌باشد، لکن پلیس در وضعیت موجود در استفاده و بهره‌برداری از این تکنولوژی‌ها دسترسی و اختیاری جهت برنامه ریزی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا ندارد و این وضعیت منجر به ضعف در نظام جامع آماری، نبود اطلاعات دقیق از قاچاقچیان و دانه درشت‌ها و وضعیت نامناسب مقابله پلیس در این خصوص شده است. از سوی دیگر وجود دستگاه‌های متعدد و موازی تصمیم‌گیر و نیز بخشی‌نگری سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی منجر به مشکلات متعددی نظیر: ضعف در حساسیت و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان پلیس، عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه و از همه مهمتر عدم دست‌یابی به امنیت اقتصادی در کشور گردیده است.

۲- در وضعیت موجود نقش اجزای محتوایی پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا ضعیف است. چرا که در وضعیت موجود پلیس به سامانه‌های اقتصادی، گمرکی، حمل و نقل و انبارها دسترسی ندارد و کارکنان پلیس دارای تخصص، آموزش و توانمندی مناسب در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا نیستند. هم‌چنین پلیس در چگونگی شکل‌گیری و رشد باندهای قاچاق کالا و نحوه فعالیت آنان از اشراف اطلاعاتی مناسبی برخوردار نیست و فرماندهی و مدیریت پلیس در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در این زمینه نیاز به تقویت دارد.

۳- در وضعیت موجود تحقق اهداف و آرمان‌های پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا متضمن تدوین و بهره‌مندی از یک سیاست اجرایی روش‌مند و هدف‌گرا با قابلیت پیشگیری، بازدارندگی عام و خاص است. لذا پلیس باید در زمینه‌ی مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا به صورت هماهنگ با نهادها و سازمان‌های دیگر عمل کند، اما هم‌اکنون شیوه برخورد و اقدامات پیشگیرانه سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا و پلیس هماهنگ نیست. بنابراین اگر سازمان پلیس بتواند با تقویت زیرساخت‌های ساختاری و محتوایی تصویری مثبت از اقدامات پیشگیرانه ایجاد کند و فرصت‌های مجرمانه قاچاق کالا را کاهش دهد، باندهای قاچاق کالا از ارتکاب قاچاق باز خواهند ماند. چون در معادله عقلانی سردسته‌های باندهای قاچاق، میزان تلاش و خطر ارتکاب قاچاق کالا (هزینه) بیشتر از منافع حاصل از قاچاق کالا (سود) خواهد بود. با توجه به این امر می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که پلیس با ایفاء نقش‌های مهم و کارآمد بایستی احتمال ریسک شرکت در این فعالیت‌ها را افزایش داده تا احتمال کسب سود مورد انتظار کاهش یابد لذا نقش موثر پلیس می‌تواند به افزایش احتمال عدم شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا منجر شود و از این طریق در مقابله با این باندها تاثیر گذار باشد. در این راستا پلیس در عرصه‌ی مبارزه با قاچاق کالا و پیشگیری از شکل‌گیری و گسترش باندهای قاچاق کالا و اقدامات گسترده آن‌ها باید در اندیشه اتخاذ تدابیر کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت باشد. این تدابیر پیشگیرانه (درون و برون سازمانی) در سطح کلان، برای رسیدن به وضعیت مطلوب می‌باشد تا از ایجاد هزینه‌های مضاعف و مستمر بکاهد. لذا در این پژوهش تلاش گردید تا مشخص گردد که قاچاق کالا یک پدیده پیچیده است که هیچ وقت صرفاً با یک علت توضیح داده نمی‌شود. لذا از میان عوامل بسیاری که بر آن اثر می‌گذارند، برخی ساده تر می‌توانند تغییر یابند و برخی به دشواری قابل تغییرند. بنابراین به خاطر پیچیدگی این پدیده،

پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا باید از جنبه‌های مختلفی انجام گیرد چرا که بزرگترین آسیب برای یک سازمان تکیه بر یک استراتژی به میزان زیاد و عمل کردن در یک حوزه خاص می‌باشد، مثل انجام طرح‌های مقطعی یا دستگیری قاچاقچیان خرده پا و توقیف کالاهای آنان یا به وجود آوردن پلیس مبارزه با قاچاق کالا و سپس انتظار نتایج سریع. بنابراین با اتخاذ سطح تحلیل کلان از این پژوهش، اقداماتی که پلیس برای ایفای نقش موثر در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، در سه دوره کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت باید به آن‌ها توجه نماید عبارتند از :

اقدامات پیشگیرانه کوتاه مدت

- ۱- تعیین نحوه پیشگیری از فرآیند شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا
- ۲- تشکیل کارگروه، شورا، هیات یا کمیسیون پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا ما بین پلیس و سازمان گمرک؛
- ۳- اولویت دادن به آموزش، تخصص‌گرایی و توانمندسازی کارکنان پلیس؛
- ۴- استفاده از استراتژیست‌های موفق به عنوان مشاور در پلیس در جهت کمک به فرماندهان و مدیران پلیس در خصوص تدوین برنامه‌ها و راهبردهای تقویت فرماندهی و مدیریت مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا؛
- ۵- جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از بانک‌های اطلاعاتی نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای اشراف اطلاعاتی بر نحوه و چگونگی قاچاق کالا در کشور؛
- ۶- تسلط و اشراف پلیس به سامانه‌های یکپارچه گمرک و دیگر سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا جهت شناسایی و حذف بسترهای شکل‌گیری قاچاق در مبادی رسمی؛
- ۷- تدوین راهبردهای مناسب در خصوص اقدامات خطرافزا و دشوار ساز برای شکل‌گیری باندهای قاچاق از مبادی رسمی و غیر رسمی؛

۸- توسعه و حمایت از بکارگیری فن آوری‌های نوین و سیستم های مکانیزه یکپارچه.

اقدامات پیشگیرانه میان مدت

۱- تشکیل پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی با ساختار سازمانی مستقل و پیش بینی

جایگاه سازمانی برای پلیس مبارزه با جرایم سازمان یافته در ساختار سازمانی این پلیس؛

۲- تهیه پیش نویس قوانین کارشناسانه و مناسب توسط افراد خبره و متخصص در حوزه

پیشگیری از قاچاق کالا؛

۳- سرمایه گذاری پلیس در زمینه ی تامین نیروهای متخصص و کیفی، استفاده از

تجهیزات و تکنولوژی‌های جدید و تشکیل بانک‌های اطلاعاتی و سایر اقدامات پیش-

دستانه برای پیشگیری از شکل گیری باندهای قاچاق کالا؛

۴- اعمال مدیریت صحیح با استفاده هر چه بیشتر و بهتر از منابع در دسترس و تصمیم-

گیری‌های کلان در جهت اعمال اقدامات پیشدستانه؛

۵- تدوین و اجرا بسته های جامع پیشگیری و مقابله برای کالاهایی که بیشترین حجم

ورود، خروج و ارزش مالی را دارند؛

۶- ایجاد تدابیر لازم برای هماهنگی و انسجام میان مقام های مسئول پلیس و سایر

سازمان های متولی در سیاست های اجرایی پیشگیرانه از قاچاق کالا؛

۷- تقویت تعامل و مشارکت با سازمان ها و نهادهای متولی مبارزه با قاچاق کالا.

اقدامات پیشگیرانه بلند مدت

۱- طراحی و پیاده سازی نظام کارآمد تعامل و مشارکت پلیس با قوای سه گانه در

جهت پیشگیری از جرایم بانندی و سازمان یافته خصوصاً در حوزه قاچاق کالا؛

۲- تعامل و مشارکت با نیروهای مسلح و استفاده از توان نیروهای بسیج، سپاه و ارتش

در حوزه اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای در حوزه قاچاق کالا؛

۳- افزایش همکاری‌های بین‌المللی از طریق پلیس اینترنتی در زمینه فعالیت‌های باندهای قاچاق کالا در خارج از کشور؛

۴- اقدامات بازدارنده برای افزایش ریسک قاچاق کالا،

۵- برانگیختن آگاهی و فرهنگ ملی بر علیه قاچاق.

پیشنهادها

۱- پیشنهاد می‌شود، الگوی عملیاتی تایید شده این پژوهش در فرماندهی انتظامی نیروی انتظامی تهران بزرگ یا بندر عباس به صورت آزمایشی و در مقیاس کوچک‌تر اجرا گردد. اجرای مرحله آزمایشی و مرحله ای این امکان را به سازمان پلیس می‌دهد تا ضمن جلوگیری از بروز مقاومت‌های شدید که هزینه‌ها را افزایش می‌دهد نسبت به کسب تجربه و اعمال آن در کل حوزه عملیاتی پلیس اقدام نماید.

۲- پیشنهاد می‌شود با توجه به تایید الگو توسط صاحب نظران علمی و خبرگان انتظامی، استفاده از الگوی عملیاتی تایید شده این پژوهش در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن سه بازه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جهت تقویت نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا مبنای عمل قرار گیرد.

۳- پیشنهاد می‌شود با توجه به نظریه جرایم یقه سفید ساترلند و جرایم سازمان یافته گس و با توجه به میزان اهمیت نقش مدیران و کارمندان سازمان‌های متعدد در شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، پلیس نقش مدیران عالی و کارمندان سازمان‌ها را در شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا را جدی بگیرد.

۴- پیشنهاد می‌شود با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و قاچاق گسترده کالا توسط باندها و گروه‌های منسجم، پلیس با گسترش گفتمان پیشگیری اجتماعی در تلفیق با پیشرفت فناوری و با استفاده از ابزارهای مبتنی بر فناوری و تخصیص نیروهای

متخصص و توانمند در سطح وسیع‌تری به کاهش قاچاق کالا و پیشگیری از شکل-گیری باندها کمک نماید.

۵- پیشنهاد می‌شود به منظور مسئله یابی و جمع‌آوری اطلاعات قاچاق چیان و باندهای قاچاق کالا در فضای مجازی، اداره کل پایش قاچاق کالای باندى در فضای مجازی در نیروی انتظامی ایجاد گردد.

۶- پیشنهاد می‌شود توسعه و تثبیت امنیت به طور مستمر در مناطق حاشیه‌ای شهرها توسط پلیس انجام و نظارت و کنترل کامل بر انبارهای نگهداری کالا و مالکین آنها انجام شود.

۷- پیشنهاد می‌شود تدابیر لازم برای اشراف اطلاعاتی پلیس بر زنجیره قاچاق کالا (شبکه‌های حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای قاچاق) صورت گیرد.

۸- پیشنهاد می‌شود راهبرد مشخص از سوی پلیس در خصوص پیشگیری از شکل-گیری باندهای قاچاق کالا تعیین سپس ساختار سازمانی پلیس برای پیشگیری و مقابله با باندهای بزهکاری خصوصاً باندهای اقتصادی و قاچاق کالا تغییر یابد.

۹- پیشنهاد می‌شود زیر ساخت‌های ارتباطی و تبادل اطلاعات و بانک‌های اطلاعاتی برون سازمانی در خصوص قاچاق کالا ایجاد شود.

۱۰- پیشنهاد می‌شود افراد دارای رانت اطلاعاتی و عوامل نفوذی باندها و گروه‌های قاچاق در مراجع و نهادهای رسمی و قاچاق چیان عمده شناسایی و بانک اطلاعاتی جامع برای قاچاقچیان حرفه‌ای و سابقه‌دار تشکیل شود.

۱۱- پیشنهاد می‌شود تعامل و مشارکت پلیس با سازمان‌های گمرک، وزارت اقتصاد، وزارت راه و شهرسازی در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندها و گروه‌های قاچاق کالا در سطح بالایی صورت گیرد.

۱۲- نقش سازمان پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا با الگوی عملیاتی بدست آمده در این پژوهش، مقایسه شده و به بررسی نقاط قوت و ضعف پرداخته شود.

۱۳- الگوی بدست آمده در ابعاد ساختاری، محتوایی و تعاملی این پژوهش متناسب با امکانات و زیر ساخت‌های موجود و قابلیت‌های سازمان پلیس اجرایی شود.

سپاسگزاری:

مولفان بر خود لازم می‌دانند از همه کارشناسان و مدیران سازمان‌های نیروی انتظامی، سازمان گمرک، سازمان تعزیرات حکومتی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در ارائه آمار و اطلاعات لازم ما را یاری نمودند صمیمانه قدردانی نمایند.

فهرست مطالب

- ابراهیم زاده آسمین، حسن؛ عباسیان، مجتبی، (۱۳۸۹). بررسی دلایل و عوامل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه کارهای رفع آن، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفت، شماره ۴ (پیاپی ۳۱). صص ۱۰۹-۱۳۰.
- امین صارمی، نوذر، (۱۳۸۰). انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ‌های معارض، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- بنسون، مایکل اس و سیمپسون، سالی، (۱۳۹۱). جرایم یقه سفیدی رویکردی فرصت مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران، نشر میزان
- رجبی، سهیل (۱۳۹۲). راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امر مبارزه با قاچاق کالا، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رجبی پور، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارت منتهی.

- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش ها، تهران: نشر کتاب فردا.
- سلیمی، علی و داوری، محمد، (۱۳۸۷). جامعه شناسی کجروی، ویراست دوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- شاطری پور اصفهانی، شهید (۱۳۸۸). پیشگیری اجتماعی از جرم در کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره ۱۰، صص ۱۴-۳۰
- شمسی اژیله، علیرضا، (۱۳۹۳). جرم سازمان یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- صفاری، علی، اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۶). سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال نوزدهم، صص ۱-۲۵
- صبوری پور، مهدی؛ صفائی آتشگاه، حامد؛ پیشگیری وضعی از قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مجله: حقوقی دادگستری، - شماره ۹۳، صص ۱۷۵-۲۰۲
- صوفی، علیرضا (۱۳۸۳). نقش پلیس در کنترل و مبارزه با جرایم اقتصادی با تاکید بر قاچاق کالا، رشته فرماندهی و ستاد، دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، تهران: انتشارات مجد.
- عارفی، مرتضی (۱۳۹۶). نظریه عمومی فشار، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیر حسن نیاز پور، تهران، نشر میزان

- علی‌دادی کوزری، عباس (۱۳۹۵). تبیین و ارائه الگوی ارتباط پیش‌گیری از بحران قاچاق کالا با رویکرد سیکل‌های تجاری (مورد مطالعه ایران)، رساله دکتری، پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه، پژوهشگاه مدیریت.
- قپانچی، حسام، دانش‌ناری، حمیدرضا و موسوی، ناهید (۱۳۹۳)، جرائم مالی شرکتی از گونه‌شناسی تا علت‌شناختی، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، سال بیست و یکم، شماره ۶، صص ۱۴۲-۱۷۳.
- معین‌فر، سجاده، محسنی، رضاعلی و نوریان، ایوب. (۱۳۹۵). زمینه‌های شکل‌گیری قاچاق کالا و آسیب‌شناسی برنامه‌های مقابله با آن، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی مازندران، سال هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۲۷)، صص ۱۷-۵۰.
- مالوری، استیون، (۱۳۹۲). شناختی بر جرایم سازمان‌یافته، ترجمه تقی‌بختیاری و رسول‌نجم، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، (۱۳۷۹). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری)، دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- هوشیار حسینی، سیدمهداد (۱۳۹۱)، نقش پلیس در پیشگیری از جرایم سایبری، پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی آموزش‌های الکترونیکی، دانشگاه شیراز.
- Clarke, Ronald .v., & Newman, Graeme, R(2007). The Role of the Police in prevention of Terrorism, policing .I.(1), 9-20
- Cornish, D.B. & Clarke, R.V. (Eds.) (1986), "The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending", New York.
- Becker, G.S. (1968), "Crime and Punishment: An Economic Approach", Journal of Political Economy, No. 76, PP.169-217.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی